

فریدون مجلسی، «نواندیشان تأثیرگذار معاصر»، ارزیابی کتاب نواندیشان ایرانی،

نوشته سید علی محمودی

روزنامه شرق، یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۷

www.drmahmoudi.com

از روزی که وزارت خارجه در زمان فتحعلی شاه پایه گذاری شد، در کنار انجام وظایف سیاسی یا کنسولی که بر عهده دیپلمات‌ها بود، به عنوان تولیدی جانبی، افراد بسیاری در آن دستگاه پرورانده شدند که با ترجمه و تألیف آثار تاریخی، ادبی، فلسفی، علمی و حتی طنز در فرهنگ کشور تأثیرگذار بوده اند. اگر بخواهم از نمونه شاخص این گونه دیپلمات‌ها نام ببرم، البته نام برجسته محمدعلی فروغی می‌درخشد. به همین دلیل، نام او را سالیان دراز بر خیابان ضلع شمالی وزارت امور خارجه گذارده بودند و ای کاش حذف نمی‌کردند. قطعاً یک دلیل تولیدات فرهنگی وزارت خارجه، گذشته از ظرفیت‌ها و علائق و استعدادهای فردی، فرصتی است که برای کسب تجربه و شناخت بیشتر با تماس مستمر با کانون‌های فرهنگی و تمدنی مختلف، دستیابی به منابع علمی و فرهنگی و خبری در مأموریت‌های سیاسی در مراکز معتبر جهانی در اختیار دیپلمات‌ها قرار می‌گیرد. خوشبختانه بهره‌مندی این روند پس از انقلاب همچنان ادامه یافته است. به عنوان مثال به اسامی برخی از دیپلمات‌های پژوهشگر و مؤلف و مترجم بازنشسته بعد از انقلاب مانند احمد عزیزی، سید علی محمودی، سید علی خرم، کوروش احمدی، باقر اسدی، جاوید قربان اغلی، نصرت الله تاجیک، - که نام آنان را می‌دانیم و کتاب‌ها و آثار مطبوعاتی آنان را دیده ایم- می‌توان اشاره کرد.

آنچه نگارنده را به نوشتن این سطور واداشت مطالعه کتاب «نواندیشان ایرانی» با عنوان فرعی «نقد اندیشه‌های چالش برانگیز و تأثیرگذار در ایران معاصر» تألیف ارزنده و عالمانه و غیرجانبدارانه آقای سید علی محمودی است. نویسنده در این کتاب پس از شرح آموزنده‌ای درباره روش‌شناسی پژوهش خود با برداشت هرمنوتیک و تعبیر برپایه متن و زمینه و همچنین تحلیل مفهومی و ارزیابی انتقادی، و پس از مقدمه‌ای درباره «اندیشه‌ها، کنشگری‌ها و تأثیرگذاری‌های نواندیشان ایرانی»، به افکار عبدالرحمن کواکبی، خصوصاً در کتاب «طبایع الاستبداد» و بررسی عوامل انحطاط مسلمانان می‌پردازد که برایم جالب بود، زیرا در جوانی نام او را نخستین بار در شرح استبداد و دموکراسی و تأثیرگذاری اش در مصر و جهان عرب از استادام شادروان دکتر حمید عنایت شنیده بودم، اما نمی‌دانستم کواکبی نیز ایرانی تبار و از احفاد شیخ صفی‌الدین اردبیل و بنی‌اعمام شاه اسمعیل صفوی است. شاید به همین دلیل، نویسنده نام او را هم با توجه به تقدم زمانی در شمار نواندیشان ایرانی آورده است.

چهره بعدی میرزای نائینی و نظریه او در باره «حکومت مقیده» است. در ایران ایشان را بیشتر به عنوان شخصیت مذهبی با تأثیرگذاری آزادی‌خواهانه بر نهضت مشروطه می‌شناسیم، که البته بسیار تأثیرگذار بود، اما با تعبیر و برداشتی از آزادی که در رساله کوتاه (صد صفحه‌ای) «تنبیه الامه و تنزیه المله فی لزوم

المشروطه . . .» آمده و آخوند خراسانی (کفایی) و حائری مازندرانی نیز آن را تأیید کرده اند. نظرات او، ضمن مقید کردن قدرت سیاسی به موازین قانونی، با مبانی و قانونمندی‌های حکومت دموکراتیک انطباق ندارد و «محدود به شناختی اجمالی است». نائینی در شمار علمایی بود که با تمایل سردار سپه به برقراری جمهوری مخالفت کردند، و سردار سپه با فرمانبرداری بحث جمهوری را کنار گذاشت، اما تعهدی نداد که سلطنت را هم کنار بگذارد!

چهره درخشان و تأثیر گذار بعدی «محمدعلی فروغی، سیاستمداری در تراز جهانی» است. همین عنوان و ارج نهادن به تلاش و تدبیر عالمانه او در حراست از منافع ایران، در کنار ارزش‌های علمی و فرهنگی او، نشان دهنده بررسی علمی و غیرجانبدارانه نویسنده درباره کسی است که مورد بی مهری‌های غیر منصفانه بوده است. می‌توانم خوانندگان را به مراجعه به متن سزاوار تحسین کتاب ارجاع دهم.

نویسنده سپس به افکار سید محمدحسین طباطبایی و «دوره هرمنوتیکی» در تفسیر/المیزان، و فرارفتن او از محدودیت و انحصار تبادل افکار با حوزه‌های بومی محلی و برقراری ارتباطات جهانی خصوصاً درباره نقد سنت و تجدد و عرفان نظری و عملی می‌پردازد . . . فصل بعدی: «نسبت میان دین و سیاست در اندیشه مهدی بازرگان» است، خصوصاً مراحل تاریخی تا انقلاب و دولت موقت، و در پایان اشارات جالب در باره ملاحظات جدی او درباره حکومت اسلامی و در باره پرهیز از تحمیل در داخل و خارج و برگرفتن مسئولیت دین و ایمان مردم و . . . ، سپس به تفصیل به مرتضی مطهری در کشاکش میان ماهیت انسان و آزادی می‌پردازد.

دو فصل پایانی کتاب در باره جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی، برای نویسنده این سطور جالب تر است، زیرا خود شاهد روند اثر گذاری افکار و اندیشه‌های آنان بر جامعه و تحولات آن تا انقلاب بوده است. [نویسنده] به سبک ادبی و آثار آل احمد و به تعلق خاطر او به شناخت وضعیت بومی ایران و در نتیجه بر ضرورت «بومی گرایی» اشاره می‌کند که مشخص است نظر به «غرب زدگی» و «درخدمت و خیانت روشنفکران» دارد. داوری منصفانه نویسنده که با منطق علمی و دیدگاه امروزی نسبت به آن افکار و غیر علمی دانستن آن با دید انتقادی می‌نگرد، در آنجاست که با درنظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و تاریخی زمان نوشته شدن آن آثار و اوج چالش شرق و غرب می‌نویسد که «نمی‌توان آل احمد را به این دلیل سرزنش کرد.» اما تأکید می‌کند که نمی‌باید در موضوعات و مقولاتی وارد می‌شد «که شرط اصلی ورود به آن، بهره مندی لازم از دانش نظری و فلسفی است.» ضمن اینکه داستان نویسی او را می‌ستاید در باره اعتبار موضوع «غرب زدگی» با اشاره به افکار مرحوم فردید و دیگران، بحث جالبی دارد.

آخرین فصل درباره «علی شریعتی، فلسفه اخلاقی و دموکراسی» است. سید علی محمودی او را «نام آورترین و تأثیرگذارترین روشنفکر مسلمان ایرانی در قرن بیستم» می‌نامد، و نویسنده این سطور خود شاهد شور و هیجان و تأثیر گذاری برانگیزاننده «معلم شهید ما» در تظاهرات انقلاب بوده است. در این فصل، تاریخچه بحث‌های حسینییه ارشاد و بعد از آن را پیگیری می‌کند. نتیجه می‌گیرد که «شریعتی با «دموکراسی آزاد» بر پایه آراء مردم و انتخاب سیاسی آنان مخالفت می‌کند، و می‌نویسد: «پرسشی که در این میان رخ

می‌نماید، مبنای اخلاقی تصمیم‌گیری یک گروه انقلابی برای مردم در تأسیس دولت است.» از این اندیشه که جامعه باید تسلیم بایدها و نبایدهای گروه اقلیت انقلابی شوند و حقوق اساسی خویش را در نصب و عزل و نقد حاکمان نادیده بگیرند . . . قیومت رهبری گروه انقلابی را... پذیرا شوند، انتقاد می‌کند؛ زیرا نظریه مختار شریعتی در نهایت دموکراسی و دولت دموکراتیک بر پایه خواست و رضایت مردم است، اما بایستی چند نسل از مردم، دوره دولت دموکراسی هدایت شده یا حکومتگری از بالا یعنی دولت خودکامه استبدادی را تجربه کنند تا پس از اینکه صلاحیت و لیاقت انتخاب کردن و رأی دادن را در سایه تعلیمات ایدئولوژیک انقلابی تحصیل کردند . . . « قطعاً این بخش نهایی بسیار بحث‌انگیز خواهد بود. نشر کتاب بسیار روان و سلیس و پخته و خوب و خواندنی است.